

# تُفْسِير سورة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



### سیمای سوره‌ی سبأ

این سوره در مکّه نازل شده و پنجاه و چهار آیه دارد. به مناسبت سرگذشت قوم سبأ که در این سوره بیان شده، «سبأ» نام گرفته و همانند دیگر سوره‌های مکّی، بیشتر مباحث آن در مورد مسائل اعتقادی و خصوصاً مبدأ و معاد است. البته در ضمن داستان حضرت سلیمان و برخورد او با قوم سبأ، به گوشه‌ای از نعمت‌های الهی و سرنوشت شاکران و کافران اشاره شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿١﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ  
فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ

ستایش مخصوص خدایی است که آن چه در آسمانها و آن چه در زمین  
است ملک اوست و در آخرت (نیز) حمد و ستایش تنها برای اوست و  
اوست حکیم آگاه.

#### نکته‌ها:

- در قرآن پنج سوره با جمله‌ی «الحمد لله» شروع می‌شود.
- این آیه مالکیت مطلق و بی قید و شرط خداوند را بیان می‌کند، «لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ  
آیه‌ی بعد علم مطلق الهی را «يعلم ما يلح فِي الارض»، تا در آیه سوم به منکران معاد بگوید:  
ما می‌توانیم قیامت را برای کیفر و پاداش برقرار کنیم.
- فخر رازی می‌گوید: علمی که به عمل متصل باشد حکمت است و به کسی که عواقب و  
اسرار امور را بداند خبیر گویند.<sup>(۱)</sup>

#### پیام‌ها:

- ۱- چگونگی حمد خدا را از خدا بیاموزیم. «الحمد لله الَّذِي...»
- ۲- ستایش‌ها باید در برابر کمال و قدرت و مالکیت و آگاهی و حکمت باشد.

۱. تفسیر کبیر فخر رازی.

﴿الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ...﴾

۳- در دنیا غیر خداوند نیز ستایش می‌شود، ولی در آخرت ستایش مخصوص اوست. ﴿وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ﴾

۴- ستایش او در حصار زمان و شرایط خاصی نیست. ﴿وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ﴾  
بهشتیان می‌گویند: ﴿وَ آخِرُ دُعَوَاهُمْ أَنِّيَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾<sup>(١)</sup>

۵- مالکیت الهی، هم گسترده است، هم حکیمانه و هم آگاهانه. ﴿لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ -  
هُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ﴾

۶- گردش نظام هستی در دنیا و آخرت، بر اساس حکمت الهی است. ﴿لَهُ مَا فِي  
السَّمَاوَاتِ... وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَ هُوَ الْحَكِيمُ﴾

﴿٢﴾ يَعْلَمُ مَا يَلْجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنْ السَّمَاءِ  
وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ

آن چه در زمین فرو می‌رود و آن چه از آن خارج می‌شود و آن چه از  
آسمان نازل می‌شود و آن چه در آن بالا می‌رود (همه را) می‌داند و اوست  
مهربان آمرزند.

#### نکته‌ها:

■ پس از ذکر کلیات، بیان نمونه‌ها لازم است. بعد از کلمه خبیر که کلی بود، خداوند نمونه‌های علم خود را نقل می‌کند. ﴿وَ هُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ يَعْلَمُ مَا يَلْجُ...﴾ مصدق ﴿يَلْجُ فِي الْأَرْضِ﴾، ورود دانه در خاک و مصدق ﴿يَخْرُجُ مِنْهَا﴾، خروج گیاه از خاک و مصدق ﴿يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ﴾، نزول باران از آسمان و مصدق ﴿ما يَعْرُجُ فِيهَا﴾، پرواز پرنده‌کان در آسمان است.

■ در تمام قرآن، چهل و نه مرتبه کلمه‌ی ﴿غفور﴾ و ﴿رحیم﴾ با هم بیان شده که در تمام موارد اول ﴿غفور﴾ آمده بعد ﴿رحیم﴾ مگر در این آیه؛ شاید به خاطر آن که در همه‌ی موارد

نظر به عملکرد انسان‌هاست که باید اول بخشیده شوند و سپس رحمت الهی را دریافت کنند، ولی در این آیه، اصل توجه به علم و لطف و رحمت الهی است و مغفرت نسبت به عملکرد انسان به طور ضمنی در کلمه «يَعْرُجُ» مطرح است. (الرّحيم الغفور)

### پیام‌ها:

- ١- خداوند، تنها مالک هستی نیست، بلکه به تمام جزئیات آن نیز آگاهی دارد.  
﴿يَعْلَمُ مَا يَلْعَبُ...﴾
- ٢- در نظام آفرینش، اشیا در رفت و آمد و حرکت‌اند. (يلع، يخرج، ينزل، يعرج)
- ٣- نشانه‌ی رحمت او نزول باران از آسمان، (ينزل) و نشانه‌ی غفران او پوشاندن اعمال زشت انسان است. (رحيم غفور)
- ٤- با آن که خداوند همه چیز را می‌داند ولی کسی را رسوانمی‌کند. (الرحيم الغفور)

﴿٣﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَى وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَاكُمْ عَالِمُ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي أَرْضٍ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ

و کسانی که کافر شدند گفتند: قیامت برای ما نخواهد آمد. بگو: چرا، به پروردگارم که آگاه از غیب و نهان است سوگند که به سراغ شما نیز خواهد آمد. به میزان ذرّه‌ای در آسمان‌ها و در زمین از خدا پوشیده نیست، نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر از آن، نیست جز آن که در کتاب روشن (اللهی ثبت) است.

### پیام‌ها:

- ١- نقل کلمات کفرآمیز برای نقد و ابطال آن مانعی ندارد. (قال - قل)
- ٢- با طرح نظریات مخالفان و رد آنها، مؤمنان را بیمه کنید. (قال - قل)
- ٣- منکران معاد فقط ادعایی کنند و بر انکار آن دلیلی ندارند. (لا تأتينا الساعه)

- ٤- پاسخ مطالب کفرآمیز باید محکم باشد. «لا تأثينا الساعة... بل و ربّ...»
- ٥- احاطه علمی خداوند بر همه چیز پیشوانه تحقیق قیامت است. «لتأتینکم عالم الغیب»

٦- زمان وقوع قیامت از امور غیبی است. «عالم الغیب»

٧- دادگاه رستاخیز، بر اساس علم بی‌پایان الهی است. «علم الغیب لا يعزب عنه»

٨- کوچکی و بزرگی اشیا در علم خدا اثر ندارد. «لا اصغر من ذلك و لا اكبر»  
 (چنانکه دیدن یک میخ کوچک یا برج بلند برای چشم یکسان است و  
 اینگونه نیست که نگاه به برج فشار اضافه‌ای به چشم وارد کند، علم خداوند  
 به اشیای کوچک و بزر نیز برای او یکسان است).

﴿٤﴾ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ

### رِزْقٌ كَرِيمٌ

تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند پاداش دهد؛

آن‌اند که برایشان آمرزش و روزی نیکو مقرر است.

#### نکته‌ها:

◻ رزق کریم، رزقی است که با وسعت و کرامت و عزّت همراه باشد، نه با مبت و ترجم.

#### پیام‌ها:

۱- رستاخیز برای دریافت پاداش‌هاست. «ليجزى الذين آمنوا»

۲- کسی می‌تواند پاداش و کیفر واقعی را بدهد که از همه چیز آگاه باشد. «علم الغیب... ليجزى»

۳- رحمت خدا بر غضبیش مقدم است. (در این آیه پاداش و در آیهی بعد کیفر مطرح شده است). «ليجزى - لهم عذاب»

۴- جز ایمان و عمل صالح، راهی برای دریافت پاداش نیست. «آمنوا و عملوا

الصالحات اوئلک هم)

- ٥- بخشودگی، مقدمه‌ی دریافت نعمت‌هاست. «مغفرة»
- ٦- رزق اخروی بسیار وسیع و بزر و کریمانه است. «رزق کریم»
- ٧- پاداش‌های الهی، هم معنوی است «مغفرة» و هم مادی. «رزق کریم»

﴿٥﴾ وَالَّذِينَ سَعَوا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رِجْزِ الْيَمِ

و کسانی که در (انکار و محو) آیات ما تلاش کردند که ما را درمانده کنند، آناند که برایشان عذابی (سخت) از عقوبته دردناک است.

**نکته‌ها:**

■ دشمنانی که مقدسات را هدف قرار می‌دهند، «آیاتنا» و هدفشان به عجز کشاندن و شکست اهداف الهی است؛ خداوند نیز آنان را عذاب می‌دهد، عذابش از رجز است و عذابی دردناک است.

**پیام‌ها:**

- ١- دشمنان به شدت در تلاشند، شما هم غافل نباشید. «سعوا في آياتنا»
- ٢- سرکشی انسان تا آنجاست که می‌خواهد آیات الهی را ختنی و مانع کارائی و تأثیر آن شود. «معاجزین»
- ٣- پاداش مؤمنان نیکوکار از خدادست، «لیجزی» ولی کیفر بدکاران نتیجه‌ی عمل خود آنهاست. «لهم عذاب»
- ٤- تهدید و تشویق باید در کنار هم باشد. «لهم مغفرة... لهم عذاب»

﴿٦﴾ وَيَرَى الَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَ يَهْدِي إِلَيْكَ صِرَاطَ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ

و کسانی که به آنان علم داده شده، آن چه را از جانب پروردگارت به تو نازل شده حق می‌بیند که به راه خدای عزیز ستوده هدایت می‌کند.

### پیام‌ها:

- ۱- علم به انسان دید و بینش می‌دهد. «و يَرِي الَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ»
- ۲- در نقل تاریخ گذشته، عملکرد همه‌ی گروه‌ها را بیان کنیم، چه مؤمنان و چه کافران. «سَعَوْا فِي آيَاتِنَا - و يَرِي الَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ»
- ۳- دانشمندان، علم خود را از خدا بدانند. «أَوْتُوا الْعِلْمَ»
- ۴- نشانه‌ی علم واقعی دریافتند حقانیت قرآن و پذیرفتن آن است. بدون علم و معرفت، حق‌شناسی ممکن نیست. «أَوْتُوا الْعِلْمَ - هُوَ الْحَقُّ»
- ۵- عالم حقيقة، آن چه را از سوی خدا نازل شده می‌پذیرد. «الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ»
- ۶- نزول وحی، از شئون ربوبیت خداوند است. «إِنَّزَلَ إِلَيْكُمْ مِّنْ رَبِّكُمْ»
- ۷- میزان حق، وحی و قرآن است. «إِنَّزَلَ إِلَيْكُمْ هُوَ الْحَقُّ»
- ۸- راه انبیا راه عزّت و شرف است. «صِرَاطُ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ»
- ۹- راه الهی شکست ناپذیر و سعی مخالفان بیهوده است. «سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مَعَاجِزِنِ... صِرَاطُ الْعَزِيزِ»
- ۱۰- قدرتمدان دنیا معمولاً محبوب نیستند ولی خداوند قدرتمند محبوب و مورد ستایش است. «الْعَزِيزُ الْحَمِيدُ»

﴿۷﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَذَّلُكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ يُنَبِّئُكُمْ إِنَّا مُرِّقْتُمْ كُلَّ مُمْرَّقٍ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ

و کسانی که کفر ورزیدند، (به استهزا) گفتند: آیا شما را به مردی راهنمایی کنیم که به شما خبر می‌دهد هرگاه (در قبرها) کاملاً متلاشی شدید (بار دیگر) در آفرینش تازه‌ای (زنده) خواهید شد؟

## پیام‌ها:

- ۱- کفار، بر ضد دین و مقدسات تبلیغ می‌کنند. «قال الّذين كفروا» ولی جز تحقیر و تمسخر، هیچ برهانی ندارند. «هل ندّلكم»
- ۲- کفار، مانع گرایش مردم به دین هستند و همیشه خود را راهنمای جلوه دار توده‌ها می‌دانند. «ندّلكم»
- ۳- کفار، شخصیت‌ها و مقدسات دینی را تحقیر می‌کنند تا زمینه‌ی دور شدن مردم را فراهم آورند. «على رجل»
- ۴- کفار برای کشاندن مردم به انکار عقاید دینی، از ویژگی غیر حسّی بودن مفاهیم دینی استفاده می‌کنند. «مزقتم كل مزق انّكم لفي خلق جديد»

﴿۸﴾ أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ حِنْنَةً بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي  
الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ

آیا او (دانسته) بر خدا دروغی بسته یا جنوئی در اوست؟ (نه، چنین نیست)

بلکه کسانی که به آخرت ایمان ندارند در عذاب و گمراهی دوری (از نجات و حق) هستند.

## پیام‌ها:

- ۱- برخی کفار خدا را قبول دارند ولی معاد را قبول ندارند و دروغ بستن به خدا را بد می‌دانند. «افتری علی الله»
- ۲- کافران، همه‌ی راههای انحرافی را می‌روند ولی ایمان نمی‌آورند. «افتری - ام به جنة - لا يؤمنون»
- ۳- بی ایمانی به آخرت، نوعی عذاب است، هم در دنیا و هم در آخرت. (نگرانی از پوچی، ترس از مر و هدر رفتن تلاش‌ها، بزر ترین عذاب دنیوی است). «ف العذاب»
- ۴- کسی که قیامت را نپذیرد، هیچ راهی برای نجاتش نیست. «الضلال البعید»

﴿۹﴾ أَفَلَمْ يَرُوا إِلَى مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ نَّشَأْ نَخْسِفُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نُسْقِطُ عَلَيْهِمْ كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ

آیا به آن چه از آسمان و زمین، پیش رو و پشت سرshan است نگاه نکردند؟ اگر بخواهیم آنان را در زمین فرو می‌بریم یا قطعه‌هایی از (سنگ‌های) آسمان را بر سرshan فرود می‌آوریم، همانا در این (تهدید) برای هر بندی توبه کاری عبرت قطعی است.

### پیام‌ها:

- ۱- برای ایمان به معاد و دیگر امور غیبی، از محسوسات کمک بگیرید. فکر در عظمت جهان هستی، سرچشممه‌ی ایمان به معاد است. در آیه‌ی قبل فرمود: «لا یؤمنون بالآخرة» در این آیه می‌فرماید: «أَفَلَمْ يَرُوا إِلَى مَا بَيْنَ...» چرا به آفریده‌ها نمی‌نگرند؟
- ۲- دست خداوند برای هر گونه تغییری در نظام هستی باز است. «ان نشأ»
- ۳- در کنار منطق، تهدید هم لازم است. «أَفَلَمْ يَرُوا - نَخْسِفَ بِهِمُ الْأَرْضَ»
- ۴- تفکر درباره‌ی هستی، سرچشممه‌ی بندگی و انباه به درگاه خداوند است. «أَفَلَمْ يَرُوا... عَبْدٍ مُّنِيبٍ»

﴿۱۰﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاؤَدِ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوْبِي مَعَهُ وَالْطَّيْرُ وَأَنَّا لَهُ الْحَدِيدَ

و همانا داود را از سوی خود فضیلتی دادیم (و گفتیم): ای کوهها! با او (در تسبیح خدا) هم نوا شوید و (ای) پرندگان! (همراهی کنید) و آهن را برای او نرم کردیم.

## نکته‌ها:

◻ شاید توبه و نالهی کوهها با داود، همان تسبیح آنها باشد. «انا سخّرنا الجبال معه يسبّحن بالعشی و الاشراق»<sup>(۱)</sup>

◻ خداوند به حضرت داود<sup>عليه السلام</sup> دوازده فضیلت داده است:

۱- علم الهی. «و لقد آتينا داود و سلیمان علم»<sup>(۲)</sup>

۲- نبّوت و رسالت. «آتاه اللہ الملک و الحکمة»<sup>(۳)</sup>

۳- کتاب آسمانی. «آتینا داود زبورا»<sup>(۴)</sup>

۴- خلافت. «يا داود انا جعلناك خليفة في الارض»<sup>(۵)</sup>

۵- استواری حکومت. «شدّدنا ملکه»<sup>(۶)</sup>

۶- امکانات فراوان. «اوتبينا من كل شئ»<sup>(۷)</sup>

۷- حکمت. «آتیناه الحکمة و فصل الخطاب»<sup>(۸)</sup>

۸- قضاوت. «فاحکم بين النّاس بالحق»<sup>(۹)</sup>

۹- نرم شدن آهن در دست او. «الآن لـهـ الحـديـدـ»

۱۰- فهمیدن سخن پرندگان. «عُلِّمَنَا مِنْطَقَ الطَّيْرِ»<sup>(۱۰)</sup>

۱۱- هم صدایی کوهها و پرندگان با او. «يا جبال اوّبی معه و الطّیر»

۱۲- فرزندی مثل سلیمان. «و هبنا لـداودـ سـلـیـمـانـ»<sup>(۱۱)</sup>

◻ در حدیث می‌خوانیم که خداوند به داود فرمود: تو بنده خوبی هستی اگر از بیت المال مصرف نکنی! او چهل روز گریه کرد تا خداوند آهن را بdest او نرم و مشغول زره‌بافی شد و هر روز یک زره به قیمت هزار درهم می‌بافت و تا سیصد و شصت زره بافت.<sup>(۱۲)</sup>

۳. بقره، ۲۵۱.

۲. نمل، ۱۵.

۱. ص، ۱۸.

۶. ص، ۲۰.

۵. ص، ۲۶.

۴. اسراء، ۵۵.

۹. ص، ۲۶.

۸. صف، ۲۰.

۷. نمل، ۱۶.

۱۱. ص، ۳۰.

۱۰. نمل، ۱۶.

۱۲. کافی، ج ۵، ص ۷۴ و تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۴۴۶ به نقل از تفسیر راهنمای.

## پیام‌ها:

۱- خداوند، به بندگان برگزیده‌ی خود، عطایای ویژه‌ای می‌دهد. «و لَقَدْ آتَيْنَا دَاوِدَ مَنِّا فَضْلًا»

۲- هستی، شعور دارد و مورد خطاب الهی قرار می‌گیرد. «يَا جَبَالَ أَوْيَ»

۳- مناجات موجودات، امری حقیقی است، نه مجازی. «أَوْبِي مَعَهُ»

۴- دنیا و آخرت قابل جمع است. (نبوت و تصرف در هستی برای داود جمع شد). «إِنَّا لِهِ الْحَدِيدُ»

۵- اولیای خدا، ولایت تکوینی و قدرت بر تصرف در هستی دارند. «إِنَّا لِهِ الْحَدِيدُ»

۶- استفاده از طبیعت ارزش است. «فَضْلًا... وَ إِنَّا لِهِ الْحَدِيدُ»

۷- کسی که دل خود را برای خدا نرم کند، خداوند هم آهن را برای او نرم می‌کند.  
«أَوْبِي... إِنَّا لِهِ الْحَدِيدُ»

۸- ذوب آهن، سابقه‌ی دیرینه‌ای دارد. «إِنَّا لِهِ الْحَدِيدُ»

۹- اولیای خدا با صنعت ارتباط داشتند. «إِنَّا لِهِ الْحَدِيدُ»

﴿۱۱﴾ أَنِ اعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدْرٌ فِي السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

(و گفتیم): زره‌های کامل و فراغ بساز و بافت آن را درست اندازه‌گیری کن.

و کار شایسته انجام دهید، همانا من به آن چه عمل می‌کنید بینا هستم.

## نکته‌ها:

■ «سابغات» جمع سابغ، به معنای زره کامل و فراغ است.

■ کلمه‌ی «سرد» به معنای بافتن است. «وَ قَدْرٌ فِي السَّرْدِ» یعنی در بافتن زره متناسب و به اندازه، دقّت کن.

## پیام‌ها:

- ۱- صنعت باید با مدیریت افراد صالح و به نفع مردم باشد. «أن اعمل سابغات»
- ۲- تولیدات مردان خدا باید کامل باشد. «أن اعمل سابغات»
- ۳- صنعت باید با دقّت و کیفیت همراه باشد. «قدّر في السّرّد»
- ۴- صنایع نظامی باید برای عمل صالح باشد، (نه کشور گشایی و ظلم و ستم). «ان اعمل سابغات... واعملوا صالحًا»
- ۵- صنعت آهنگری و ساخت ابزار فلزی، سابقهای بس طولانی دارد. «ان اعمل سابغات...»
- ۶- ایمان به علم خداوند، انگیزه انجام عمل صالح است. «واعملوا صالحًا انی با تعلمون بصیر»

﴿۱۲﴾ وَلِسُلَيْمَانَ الْرِّيحَ غُدُوْهَا شَهْرُ وَرَوَاحُهَا شَهْرُ وَأَسْلَنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَمَن يَزِغُ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذْقُهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ

و برای سلیمان باد را (رام و مسخر کردیم) که صحّگاهان مسیر یک ماه را می‌پیمود و عصرگاهان مسیر یک ماه را، و برای او چشممهی مس (گذاخته) را روان ساختیم و گروهی از جن پیش روی او به اذن پروردگارش کار می‌کردند؛ و هر یک از آنان که از فرمان ما سرپیچی می‌کرد او را از عذاب فروزان می‌چشاندیم.

## نکته‌ها:

- «غدو» به معنای حرکت در طرف صبح و «رواح»، حرکت از ظهر به بعد است و مراد از کلمه «عين» ظرفی است که در آن مس ذوب می‌شود.
- خداوند به حضرت سلیمان نیز همچون پدرش داود الطاف ویژه‌ای عطا کرده است.
- به گفته‌ی قرآن، جن موجودی است مکلف، عاقل، انتخابگر، قدرتمند و تلاشگر.

- در سوره‌ی «ص» می‌خوانیم: اجنه برای سلیمان بنایی و غواصی می‌کردند.<sup>(۱)</sup>
- تسخیر باد به دست حضرت سلیمان، یعنی استفاده از آن در حرکت ابرها، حرکت کشتی‌ها، تلقیح گیاهان، تلطیف هوا و غیر آن. **﴿وَ لِسْلِيْمَانَ الرَّبِيعَ﴾**
- کتاب تورات (تحریف شده)، حضرت سلیمان را پادشاهی جبار، بتخانه ساز و تسليیم هوس‌های زنان معزفی کرده، که این بر خلاف قرآن است.<sup>(۲)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- انبیا، بر جهان هستی و عالم تکوین ولایت دارند. **﴿وَ لِسْلِيْمَانَ الرَّبِيعَ﴾**
- ۲- برای تسخیر طبیعت، تنها به تحلیل‌های طبیعی اکتفا نکنید. (حرکت باد با اراده‌ی خدا در اختیار ولی خدا قرار گرفت). **﴿وَ لِسْلِيْمَانَ الرَّبِيعَ﴾**
- ۳- قدرت خداوند نسبت به همه چیز یکسان است. (برای حضرت داود آهن و برای حضرت سلیمان هوا را تسخیر کرد). **﴿وَ لِسْلِيْمَانَ الرَّبِيعَ﴾**
- ۴- خداوند به داود قدرت ذوب آهن و به سلیمان ذوب مس را داده بود. **﴿وَ اسْلَنَا لِهِ عَيْنَ الْقَطْرِ﴾** (চুন্ট মস্করি দ্র জমান প্রস্তুত সলিমান)
- ۵- انسان می‌تواند جن را تسخیر خود کند. **﴿وَ مَنْ أَجْنَّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ﴾**
- ۶- جن با اراده و فرمان الهی، مأمور انجام کارهای انسان می‌شود. **﴿مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ يَإِذْنِ رَبِّهِ﴾**
- ۷- مدیریت به قدرت و صلابت نیاز دارد. **﴿وَ مَنْ يَزْغَبْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا... نَذْقَهُ﴾**
- ۸- جن اختیار دارد و می‌تواند از فرمان الهی سر باز زند، **﴿وَ مَنْ يَزْغَبْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا﴾** و در این صورت کیفر می‌شود. **﴿نَذْقَهُ مَنْ عَذَابُ السَّعِيرِ﴾**

۱. ص، ۳۷.

۲. تفسیر نمونه به نقل از تورات، کتاب اوّل.

﴿۱۳﴾ يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِيبٍ وَتَمَاثِيلَ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَ  
قُدُورٍ رَّاسِيَاتٍ أَعْمَلُوا إِعْلَمَ دَاؤَدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِي الشَّكُورُ

جنیان، هر چه را که سلیمان می خواست از محراب و تمثال و ظروف بزرگ  
مانند حوضچه و دیگهای ثابت برایش می ساختند. ای خاندان داود!  
شکر (این همه نعمت را) بجا آورید. اما اندکی از بندگان من سپاسگزارند.

### نکته‌ها:

- «محاريب» جمع «محراب» یا به معنای محل عبادت است و یا به معنای محل حرب و جنگ، زیرا بر بالای قصرها، جایگاه مخصوصی برای دفاع ساخته می شد.<sup>(۱)</sup>
- «تماثيل» جمع تمثال به معنای مجسمه است. شاید مراد ساخت اشیای زیستی همانند اشیای طبیعی باشد. چنانکه در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است، مراد از تماثیل، مجسمه‌ی درختان و گیاهان است، نه انسان و حیوان.<sup>(۲)</sup> «جفان» جمع «جفیه»، ظرف‌های بسیار بزرگ را گویند که مثل حوض است. «جواب» جمع «جابیه»، به معنای حوض است. «قدور» جمع «قدر» به معنای دیگ است. «راسیات» جمع «راسیة» به معنای ثابت است.
- بسیاری از مردم شکر می‌کنند و شاکر هستند، اما شکور کم است، یعنی کسی که همواره شکرگزار باشد. **﴿قليل من عبادي الشكور﴾**

### سلیمان و نعمت‌ها

- ۱- در برابر نعمت‌ها، از خداوند توفیق شکرگزاری خواست. **﴿رَبِّ أَوْزَعْنِي أَنْ اشْكُرَ نِعْمَتَكَ﴾**<sup>(۳)</sup>
- ۲- نعمت‌ها را وسیله‌ی آزمایش می‌دانست. **﴿هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَشْكُرُ إِنْ أَكْفَرُ﴾**<sup>(۴)</sup>
- ۳- جذب هدایای بیگانگان نشد. **﴿أَتَدْوُنِي بِالْمَال﴾**<sup>(۵)</sup>
- ۴- از فهم علمی مخصوص برخوردار بود. **﴿فَفَهَّمْنَاهَا سَلِيمَان﴾**<sup>(۶)</sup>

---

۱. تفسیر راهنمای.	۲. تفسیر المیزان.
۳. احقاف، ۱۵.	۴. نمل، ۴۰.
۵. نمل، ۳۶.	۶. انبیاء، ۷۹.

- ۵- با زبان پرندگان آشنا بود. «عَلِمْنَا مِنْطَقَ الطَّيْرِ»<sup>(۱)</sup>
- ۶- از لشکریانش سان می‌دید. «وَحُشْرَ لَسِيلَمَانَ جَنُودَه»<sup>(۲)</sup>
- ۷- پرندگان در خدمت او بودند. «وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ»<sup>(۳)</sup>
- ۸- از همه‌ی امکانات برای تبلیغ دین استفاده می‌کرد. (فرستادن نامه به وسیله‌ی پرنده) «إِذْهَبْ بِكَتَابِي هَذَا»<sup>(۴)</sup>
- ۹- دست اندکاران او، طی‌الارض داشتند. «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتَيْكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَ إِلَيْكَ طَرْفَكَ»<sup>(۵)</sup>
- ۱۰- حکومت بی‌نظیر داشت. «هَبْ لِي مَلْكًا لَا يَنْبَغِي لَاهُ»<sup>(۶)</sup>
- ۱۱- به حسن عاقبت و مقام والا نزد خداوند رسید. «وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لِزْلَفَ وَحَسْنَ مَأْبَ»<sup>(۷)</sup>
- ۱۲- جن در خدمت او بود. «وَالشَّيَاطِينُ كُلُّ بَنَاءٍ وَغَوَّاصٍ»<sup>(۸)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- جن، موجودی است هنرمند و صنعتگر. «يَعْمَلُونَ لَهُ... مَحَارِيبٍ وَتَمَاثِيلٍ»
- ۲- کارگر باید زیر نظر کارفرما باشد. «يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ»
- ۳- به معنویات، قبل از مادیات توجه کنید. «مَحَارِيبٍ» قبل از «تماثیل» آمده است.
- ۴- مسگری و ریخته‌گری، سابقه‌ای بس طولانی دارد. (تهیه ظروف از مس گداخته در زمان حضرت سلیمان بوده است). «جَفَانٌ»
- ۵- امکانات باید زمینه‌ی سپاسگزاری از خداوند باشد. «اعْمَلُوا إِلَى دَادَ شَكْرَا»
- ۶- شکر، تنها با زبان نیست بلکه یک عمل است. «اعْمَلُوا... شَكْرَا»

---

.۳. نمل، ۲۰	.۲. نمل، ۱۷	.۱. نمل، ۱۶
.۶. ص، ۳۵	.۵. نمل، ۴۰	.۴. نمل، ۲۸
.۸. ص، ۳۷	.۷. ص، ۲۵	.۷. ص، ۲۵

﴿١٤﴾ فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَآبَةُ الْأَرْضِ  
تَأْكُلُ مِنْسَاتَهُ فَلَمَّا حَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَنَّ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ  
الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ

پس چون مرگ را بر سليمان مقرر داشتیم، کسی جنیان را از مرگ او آگاه نساخت مگر جنبدهی زمین (=موریانه) که عصایش را (به تدریج) می خورد، پس چون سليمان به زمین افتاد جنیان دریافتند که اگر غیب می دانستند، در آن عذاب خوار کننده (کارهای سخت) نمی ماندند.

#### نکته ها:

- حضرت علی علیہ السلام می فرماید: «فلو ان احداً يجد الى البقاء سلماً او الى دفع الموت سبيلاً لكان ذلك سليمان ابن داود الذى سخر له ملك الجن و الانس مع النبوة و عظيم الرّلفة»<sup>(۱)</sup>  
اگر کسی برای ماندن و بقا راهی داشت و می توانست از مرگ در امان بماند، همانا سليمان بود که جن و انس در تسخیر او بودند و مقام نبوت را دارا بود و قرب و منزلتی بزرگ داشت.
- «منسأة» به معنای عصا و به گفته روایات مراد از «العذاب المھین» کارهای سختی بود که جنیان انجام می دادند.<sup>(۲)</sup>

#### پیام ها:

- ١- زمان مر ، به دست خداست. «قضينا»
- ٢- مر ، حتی به سراغ کسانی که نبوت و سلطنت را یکجا دارند می رود. «قضينا  
عليه الموت»
- ٣- حیوانات، مأموران خدا هستند. «دَلْمَ... دَآبَةُ الْأَرْضِ»
- ٤- جن، غیب نمی داند. (با افتادن سليمان به زمین، هم خود جن فهمید که غیب نمی داند و هم مردم فهمیدند که ادعای جن مبنی بر آگاهی از غیب بیهوده

٢. تفسیر مجتمع البیان.

١. نهج البلاغه، خطبه ١٨٢.

است). «تبیّت... لو كانوا يعلمون الغائب...»

۵ - جنیان دارای احساس عزّت و ذلّت و گریز از کار سخت هستند. «ما لبوا في العذاب المهين»

### حیوانات مأمور خدا هستند

۱- تکه‌ای از بدن گاو، مقتول را زنده می‌کند و او قاتل خود را معروف می‌کند. (در ماجرا گاو بنی اسرائیل) «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ أَنْ تَذَبَّحُوا بَقْرَةً»<sup>(۱)</sup>

۲- عنکبوت، پیامبر را در غار حفظ می‌کند. «الَا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ»<sup>(۲)</sup>

۳- کلاع، معلم بشر می‌شود. «فَبِعَثَ اللَّهُ غَرَابًا»<sup>(۳)</sup>

۴- هدهد، مأمور رساندن نامه سلیمان به بلقیس می‌شود. «اذهب بكتابي هذا»<sup>(۴)</sup>

۵- ابابیل، مأمور سرکوبی فیل سواران می‌شود. «وَ ارْسَلَ عَلَيْهِمْ طِيرًا اَبَابِيلَ»<sup>(۵)</sup>

۶- اژدها، وسیله‌ی حقانیت موسی می‌شود. «هی ثعبان مبین»<sup>(۶)</sup>

۷- نهنگ، مأمور تبیه یونس می‌شود. «فَالْتَّقِمَهُ الْحَوْتُ»<sup>(۷)</sup>

۸- موریانه وسیله‌ی کشف مرگ سلیمان می‌شود. «تَأْكِلْ مَنْسَاتَهُ»<sup>(۸)</sup>

۹- سگ اصحاب کهف مأمور نگهبانی می‌شود. «وَ كَلِبٌ بَهْ بَاسِطٌ ذِرَاعِيهِ بِالْوَصِيدِ»<sup>(۹)</sup>

۱۰- چهار پرنده سبب اطمینان ابراهیم می‌شود. «فَخَذْ أَرْبَعَةَ مِنَ الطَّيْرِ»<sup>(۱۰)</sup>

۱۱- الاغ، سبب یقین عزیر به معاد می‌شود. «وَ انْظُرْ إِلَى حَمَارِكَ»<sup>(۱۱)</sup>

۱۲- شتر، گاو و گوسفند در حج، شعائر الهی می‌شوند. «وَ الْبُدْنُ جَعَلْنَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ»<sup>(۱۲)</sup>

۱۳- حیوان، وسیله‌ی خداشناسی می‌شود. «اَفَلَا يَنْظَرُونَ إِلَى الْابْلِ كَيْفَ خَلَقْتَهُ»<sup>(۱۳)</sup>

۳. مائدہ، ۳۱.

۲. توبه، ۴۰.

۱. بقره، ۶۳ - ۷۳.

۶. اعراف، ۱۰۷.

۵. فیل، ۳.

۴. نمل، ۲۸.

۹. کهف، ۱۸.

۸. سباء، ۱۴.

۷. صافات، ۱۴۲.

۱۲. حج، ۳۶.

۱۱. بقره، ۲۵۹.

۱۰. بقره، ۲۶۰.

۱۳. غاشیه، ۱۷.

۱۴- حیوان، وسیله‌ی آزمایش انسان می‌شود. «تَنَاهِي إِيْدِيكُمْ وَرَمَاحِكُمْ»<sup>(۱)</sup>

۱۵- حیوان، معجزه الهی می‌شود. «هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ»<sup>(۲)</sup>

۱۶- حیوان، وسیله‌ی قهر الهی می‌شود. «الجَرَادُ وَالْقَمَلُ وَالضَّفَادُعُ»<sup>(۳)</sup>

■ در قرآن چندین سوره به نام حیوانات است: بقره، انعام، نحل، نمل، عنکبوت و فیل.

**﴿۱۵﴾ لَقَدْ كَانَ لِسَبَأً فِي مَسْكَنِهِمْ ءَايَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَاءٍ كُلُّوا مِنْ رِزْقٍ رَبِّكُمْ وَآشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةً طَيِّبَةً وَرَبُّ غَفُورٌ**

همانا برای قوم سبأ در محل سکونتشان نشانه‌ای (از قدرت و رحمت الهی)

بود: دو باغ و بوستان از راست و چپ. از روزی پروردگارتان بخورید و

برای او شکرگزار باشید (که) شهری پاک و پروردگاری

آمرزنده (دارید).

### نکته‌ها:

■ «سبأ» نام سرزمین حاصلخیز یمن است. سبأ نام شخصیت بزرگ منطقه بوده که روی آن سرزمین گذاشته‌اند.

■ مردم در رسیدن به تمدن و بهره‌گیری از نعمت‌های الهی دو نوع برخورد دارند: برخی مانند سلیمان علیه السلام با داشتن آن همه قدرت، از خداوند توفیق شکرگزاری می‌خواهد. «او زعنی ان اشکر»

گروهی مانند قوم سبأ که با داشتن شهری پاکیزه و دلنشیین کفران ورزیدند.

■ در قرآن هر کجا فرمان خوردن آمده، در کنارش مسئولیتی آمده است:

«کلوا... واشکروا»<sup>(۴)</sup>

«فکلوا... اطعموا»<sup>(۵)</sup>

۳. اعراف، ۱۳۳.

۲. اعراف، ۷۳.

۱. مائدہ، ۹۴.

۵. حج، ۲۸.

۴. بقره، ۱۶۸.

﴿کلوا... واعملوا صالحًا﴾<sup>(۱)</sup>

﴿کلوا... لا تسرفوا﴾<sup>ج</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- سرگذشت کشور سبأ عبرت انگیز است. ﴿لَقَدْ كَانَ لِسْبَاً... آيَة﴾
- ۲- سرسبزی باغ‌های منطقه‌ی سبأ، استثنایی بوده است. ﴿آيَة﴾
- ۳- یکی از آیات الهی، زیبایی‌های طبیعی است. ﴿آيَة جَنَّان...﴾
- ۴- منطقه‌ی سبأ از هر گونه کمبود، آفات، نامنی، فحشا و قحطی پاک بود. ﴿بلدة طَيِّبَة﴾

- ۵- در برایر نعمت‌های الهی باید شاکر بود، ولی انسان هرگز حق شکر را ادا نمی‌کند و خداوند او را می‌بخشد. ﴿وَاشْكُرُوا إِلَهُكُمْ... رَبُّ الْغَفُور﴾
- ۶- در انتخاب مسکن، به عنصر آبادانی، پاکی و پاکیزگی شهر توجه کنید. ﴿مَسْكُنُهُمْ... بَلْدَة طَيِّبَة﴾
- ۷- روزی دادن و آمرزیدن از شئون ربوبیت است. ﴿رَزْقُ رَبِّكُمْ... رَبُّ الْغَفُور﴾

﴿۱۶﴾ فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتِهِمْ  
جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِنَ أَكْلٍ حَمْطٍ وَأَثْلٍ وَشَنِّيٍّ مِّنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ

پس (به جای شکر، از خداوند) روی گردانند، و ما بر آنان سیل ویرانگر عرم را فرستادیم و دو باگستان (پر محصول) آنان را به دو باغ با میوه‌های تلخ و شورگز و اندکی از درخت سدر تبدیل نمودیم.

### نکته‌ها:

- کلمه‌ی «عرم» یا به معنای خشونت است و «سیل العرم» به معنای سیل بنیان کن، یا به معنای سد است یعنی سیلی که از شکسته شدن سد به راه افتاد.

■ «اُکل» به معنای «مأکول» و خوراکی است. «جَهْط» گیاه تلخ را گویند و «أَثْل» درخت گز و خاردار است.

■ در قرآن بارها از اعراض مردم سخن به میان آمده است:

گاهی اعراض از ذکر خدا. «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي»<sup>(۱)</sup>

گاهی اعراض از آیات خدا. «وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يَعْرِضُوا»<sup>(۲)</sup>

گاهی اعراض از نعمت‌های خدا. (همین آیه) و آیه «إِذَا انْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضْنَا»<sup>(۳)</sup>

و گاهی اعراض از پیامبر خدا. «هُوَ نَبِأٌ عَظِيمٌ إِنَّمَا يَعْرِضُونَ»<sup>(۴)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- اعراض و ناسپاسی، قهر الهی را بدنبال دارد. «فَاعْرَضُوا فَارْسَلْنَا»
- شکر نعمت نعمت افزون کند                            کفر نعمت از کفت بیرون کند
- ۲- سیل، زلزله، طوفان و رعد و برق، تصادفی نیست. «أَرْسَلْنَا... سَيِّلَ الْعَرْمَ»
- ۳- طبیعت، مأمور قهر الهی می‌شود. «سَيِّلَ الْعَرْمَ»
- ۴- نعمت‌ها، گاهی اضافه می‌شود، «فِي كُلِّ سَبِيلٍ مَأْتِيَةً حَبَّهُ»<sup>(۵)</sup> گاهی کم می‌شود، «نَقْصٌ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّرَاتِ»<sup>(۶)</sup> گاهی تبدیل می‌شود. «بَدْلًا مِنْهُمْ...»

### ﴿۱۷﴾ ذَلِكَ جَزِئُنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهُلْ نُجَازِي إِلَّا الْكُفُورَ

این (کیفر) را به خاطر کفرانشان به آنان جزا دادیم و آیا جز  
ناسپاسان را کیفر می‌دهیم؟

### نکته‌ها:

■ کلمه‌ی جزا هم در پاداش نیکو به کار می‌رود و هم در کیفر، لکن کلمه‌ی مجازات تنها در کیفر به کار می‌رود.

۳. اسراء، ۸۳

۲. قمر، ۲

۱. طه، ۱۲۴

۶. همان، ۱۰۵

۵. بقره، ۲۶۱

۴. ص، ۶۷ - ۶۸

## پیام‌ها:

- ۱- سرچشمه‌ی بدختی‌ها، عملکرد منفی خود ماست. «ذلک جزیناهم با به کفروا»
- ۲- کیفرهای الهی، یک سنت و قانون برای تبهکاران است و به قوم سبأ اختصاص ندارد. «هل نجازی الاّ الکفور»
- ۳- آن چه قهر الهی را به دنبال دارد، اصرار در کفر و استمرار آن است. «هل نجازی الاّ الکفور»

**﴿۱۸﴾ وَجَعْلَنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرْيَ ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيٍ وَأَيَّامًاً ءَامِنِينَ**

و میان آنان و مناطقی که در آن برکت قرار داده بودیم، آبادی‌هایی آشکار بود (که به هم وصل و نزدیک بود) و سفر در میان قریه‌ها را به طور متناسب مقرر کرده بودیم (و به آنان گفتیم): در این مناطق شبها و روزها در حال امن سفر کنید.

**﴿۱۹﴾ فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمْوًا أَنفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَرْقَنَاهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنْ فِي ذَلِكَ لَيَاتٍ لِكُلِّ صَبَارٍ شَكُورٍ**

پس (به ناسیپاسی) گفتند: پروردگار! میان سفرهای ما فاصله بیانداز و بر خوبیشن ستم کردند، پس ما آنان را موضوع داستان‌هایی (برای عبرت دیگران) قرار دادیم و آنان را به کلی پراکنده و متلاشی کردیم، همانا در این (ناسیپاسی آنان و قهر ما) نشانه‌هایی (از عبرت) برای هر صبر کننده و شکرگزاری وجود دارد.

## نکته‌ها:

- «احادیث» جمع «أحدوثه» به معنای خبری است که مردم یا برای سرگرمی و یا به عنوان مثال برای یکدیگر نقل می‌کنند.
- خداوند به قوم سبأ چند نعمت ویژه داده بود:
  - الف: مناطق پر برکت و حاصلخیز. «بارکنا فیها»
  - ب: خانه‌ها و مناطق مسکونی نزدیک به هم و قابل رؤیت. «قُریٰ ظاهِرَةً»
  - ج: آسان بودن سفر، به گونه‌ای که شب و روز امکان رفت و آمد بود. «سیروا فیها لیالی و ایامًا»
  - د: نعمت امنیت. «آمنین»

## داستان قوم سبأ

- چنانکه از این آیات و برخی روایات استفاده می‌شود، قوم سبأ، جمعیتی بودند که در جنوب جزیره عربستان زندگی می‌کردند و تمدنی عالی و درخشان داشتند. این منطقه رودخانه مهمی نداشت و آب باران در دشت به هدر می‌رفت، لذا مردم به فکر افتادند که سدّ بزرگی بسازند و آب را پشت آن ذخیره کنند. در انتهای یکی از دره‌ها، در کنار شهر «مارِب»، سدّ خاکی عظیمی ساختند که به همین نام مشهور شد. آب خروجی از این سدّ باعث آبادانی دو طرف رودی شد که از پای سدّ جاری بود و روستاهای بسیاری با باغستان‌ها و کشتزارهای زیبا در دو طرف آن پدیدار گشت. فاصله این روستاهای با یکدیگر بسیار کم و تقریباً به هم متصل بود و وفور نعمت همراه با امنیت، محیطی مرفه را برای زندگی آماده ساخته بود، اما آنها خدا را به فراموشی سپرده‌اند، به فخر فروشی پرداختند و به اختلافات طبقاتی دامن زدند. اغنية مایل نبودند که افراد کم‌درآمد، همانند آنان و یا همراه آنان در رفت و آمد میان این مناطق باشند و می‌خواستند این امتیاز برای آنان باشد.

چنانکه در تاریخ آمده است موش‌های صحرایی به دیواره این سدّ خاکی حمله کردند و آن را از درون سست کردند، چنانکه با جاری شدن یک سیلاپ عظیم، دیواره سدّ شکست و سیل عظیمی جاری شد که تمدن عظیم سبأ را در زیر گل و لای مدفون ساخت. سیلی که به قول

قرآن، از آن سرزمین آباد، جز درختان تلخ «أراك» و شور «گز» و اندکی درختان «سدر» چیزی به جای نگذاشت.<sup>(۱)</sup> «فارسلنا علیهم سیل العرم و بدّلناهم بجنتیهم جنتین ذوقی اُکلٰ خط و أثيل و شيء من سدر قلیل»

#### پیام‌ها:

۱- قوم سبأ به خداوند معتقد بودند و در دعا از کلمه ربنا استفاده کردند. «ربنا باعد»

۲- ناسیپاسی، ظلم به خویش است. «باعد بین اسفارنا و ظلموا انفسهم»

۳- متلاشی و تارومار شدن قوم سبأ قصه مجالس و ضرب المثل میان مردم شد.  
«فجعلناهم احاديث»

۴- ناسیپاسی، سبب فروپاشی زندگی انسان می‌شود. «کلٰ مرتق»

۵- افراد و ملت‌هایی می‌توانند از تاریخ عبرت بگیرند و پایدار بمانند که بسیار بردهار و سپاسگزار باشند. «لایات لکلٰ صبار شکور»

﴿۲۰﴾ وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَأَتَبَعَهُ إِلَّا فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ

و البتّه ابلیس گمان خود را (که می‌گفت: من اولاد آدم را گمراه می‌کنم) بر آنان

تحقیق یافته دید، پس همگی ازاو پیروی کردند، جز گروه اندکی از مؤمنان.

#### پیام‌ها:

۱- کفران نعمت، راه نفوذ و موفقیت ابلیس است. «ربنا باعد بین اسفارنا... و لقد صدق عليهم ابليس ظنه»

۲- ابلیس به موفقیت خود در انحراف کشاندن مردم یقین ندارد. «ظنه»

۱. تفسیر نمونه.

﴿۲۱﴾ وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يُؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ  
هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ وَرَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِظٌ

وابليس هیچ گونه تسلط و غلبه‌ای بر آنان (که از او پیروی کردند) نداشت.  
(کار او تنها وسوسه است) تا معلوم کنیم کسی را که به آخرت ایمان دارد  
(و در برابر وسوسه‌های او مقاومت می‌کند) از کسی که نسبت به آخرت  
در تردید است، و پروردگارت بر همه چیز نگهبان است.

#### نکته‌ها:

■ با توجه به این که خداوند به هر چیز عالم و حافظ و مراقب و گواه است، مراد از جمله‌ی «لنعلم...» متمایز ساختن و مشخص کردن است، یعنی تا بر انسان و دیگران معلوم کنیم که مؤمن کیست و کافر کیست، یا جدا کنیم پیروان ابلیس را از مؤمنان.

#### پیام‌ها:

- ۱- شیطان نمی‌تواند انسان را مجبور کند و پیروی مردم از ابلیس بر اساس اختیار و تصمیم خود آنان است. «وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ
- ۲- ایمان به قیامت، سدی است در برابر شیطان. «لَنَعْلَمَ مَنْ يُؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ»
- ۳- فلسفه‌ی وجود شیطان و وسوسه‌های او، ایجاد چند راه پیش روی انسان و قدرت انتخاب و آزمایش اوست. «إِلَّا لَنَعْلَمُ...»
- ۴- انسان با تردید و تزلزل، راه سلطه‌ی شیطان را بر روی خود باز می‌کند. «مَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ... مَنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ»
- ۵- انسان در انتخاب راه و عمل، اختیار دارد. «مَنْ يُؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مَنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ»
- ۶- شک هر چه کم باشد مقدمه انحراف می‌شود. «فِي شَكٍّ» (تنوین برای تحقیر و کوچکی است).
- ۷- در علم خداوند، نسیان و سهو راه ندارد. «حَفِظٌ»

﴿۲۲﴾ قُلْ أَدْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِنْ شِرْكٍ وَمَا لَهُمْ مِنْهُمْ مِنْ ظَهِيرٍ

بگو: کسانی را که جز خدا (شريك و معبود خود) پنداشته ايد بخوانيد (تا حاجتی از شما برآورند)، آنان به میزان ذرّه‌ای مالک چیزی در آسمان و زمین نیستند، و برای شريک‌ها (ای خیالی شما) در (اداره‌ی) زمین و آسمان هیچ گونه مشارکتی نیست و از طرف آنان هیچ گونه پشتیبانی برای خداوند نیست.

#### پیام‌ها:

- ۱- غیر خدا، خیالی بیش نیست. «زمتم من دون الله»
- ۲- مشرک، منطق ندارد. «زمتم»
- ۳- غیر خدا، نه مالک آسمان‌ها و زمین هستند، نه شريك و یاور خداوند. «لا يملكون - من شرك - من ظهير»

﴿۲۳﴾ وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْهُ إِلَّا لِمَنِ أَنِّي لَهُ حَتَّىٰ إِذَا فُرِّغَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقُّ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ

و شفاعت نزد خداوند سودی ندارد، مگر برای آن کس که او اجازه دهد. (انتظار اذن شفاعت، ادامه دارد) تا زمانی که هراس و اضطراب از دل‌های آنان بر طرف شود، ( مجرمان) از آنان پرسند: پروردگار شما چه گفت؟ پاسخ می‌دهند: حق گفت؛ او بلند مرتبه و بزرگ است.

#### نکته‌ها:

- کلمه‌ی «فرغ» هر گاه با حرف «عن» همراه باشد به معنای بر داشته شدن ناله است،<sup>(۱)</sup>

۱. مفردات راعب.

ولی اگر بدون آن باشد به معنای به ناله در آوردن است.

▣ جمله «الاً مَنْ اذْنَ لَهُ» را دو گونه می‌توان معنا کرد:

الف: شفاعت نزد خدا سودی ندارد، مگر برای انبیا و اولیا و شفاعت کنندگانی که از طرف خداوند اجازه‌ی شفاعت داشته باشند.

ب: شفاعت نزد خدا سودی ندارد، مگر برای آن دسته از گناهکارانی که خدا اجازه‌ی شفاعت برای آنان را به اولیا بدهد.

▣ در تفسیر اطیب البيان، آیه‌ی مورد بحث چنین معنا شده است: در قیامت جز برای افرادی که خداوند اجازه دهد، شفاعت سودی ندارد و مجرمان در آن روز وحشت زده‌اند و ناله‌ها دارند تا آن که صدایشان خاموش شود و ناله و فزع از دل‌های آنان برخیزد. فرشتگان یا مؤمنان از این مجرمان می‌پرسند: پروردگار شما در دنیا به شما چه گفت؟ می‌گویند: گفت، ولی ما گوش ندادیم.

### پیام‌ها:

۱- معبدهای خیالی، اجازه‌ی شفاعت پیروان خود را ندارند. **«لا تنفع الشفاعة»**

۲- شفاعت به این معنا نیست که شفاعت کنندگان از خداوند مهربان‌ترند، زیرا خداوند است که به شفاعت کنندگان اجازه‌ی شفاعت می‌دهد. **«مَنْ اذْنَ لَهُ»**

۳- شفاعت، کاری مستقل در برابر اراده‌ی حتمی او نیست، بلکه در راستای اراده‌ی خداست. **«اذْنَ لَهُ»**

۴- در قیامت امکان شفاعت هست، ولی با اذن الهی. **«لا تنفع الشفاعة عنده الاً مَنْ اذْنَ لَهُ»**

۵- اذنی که خداوند به افراد می‌دهد تا شفاعت کنند یا شفاعت شوند بر اساس حق است، یعنی شفاعت کنندگان به خاطر قرب الهی به آن مقام می‌رسند و شفاعت شوندگان به خاطر حفظ ارتباط با راه خدا لایق دریافت شفاعت می‌شوند. **«قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقُّ»**

﴿۲۴﴾ قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَى هُدَىٰ أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

(ای پیامبر! به مشرکان) بگو: کیست که از آسمان‌ها و زمین به شما روزی می‌دهد؟ بگو: خدا؛ و البته (یکی از) ما یا شما بر (طریق) هدایت یا در گمراهی آشکار هستیم.

### پیام‌ها:

- ۱- در تربیت و تعلیم، با استفاده از شیوه‌ی سؤال، و جدان مخاطبان را بیدار کنیم و فکرها را به کار اندازیم. ﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ...﴾
- ۲- یکی از عوامل پرسش، توجه به روزی دهنده است، فکر کنید چه کسی به شما روزی می‌دهد؟ ﴿مَنْ يَرْزُقُكُم﴾
- ۳- روزی آسمان، نور و حرارت و باران و باد و ابر است و روزی زمین، همه‌ی میوه‌ها و برکات زمین است. ﴿يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾
- ۴- تمام آسمان‌ها در رزق و روزی ما مؤثّرند. ﴿يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاوَاتِ﴾
- ۵- در بحث و گفتگو و جدال نیکو با دیگران، انصاف را مراعات و با آنان مدارا کنیم. ﴿إِنَّا أَوْ إِيَّاكُم﴾
- ۶- هدایت یافتگان، همچون کسانی که بر بالای مرکب و کوه قرار گرفته‌اند بینش وسیع دارند، ﴿عَلَى هُدَىٰ﴾ ولی گمراهان همچون کسانی هستند که در ته دره یا در عمق دریا گرفتار شده و مورد احاطه‌ی عوامل انحرافند. ﴿فِي ضَلَالٍ﴾

﴿۲۵﴾ قُلْ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نُسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ

بگو: (شما) از آن چه ما مرتکب شده‌ایم باز خواست نخواهید شد، و ما (نیز) از آن چه شما انجام می‌دهید باز خواست نخواهیم شد.

﴿۲۶﴾ قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ

بگو: پروردگار ما، ما و شما را (در قیامت) گرد می‌آورد، سپس بین ما و شما به حق داوری خواهد کرد و اوست داور دان.

### نکته‌ها:

▣ کلمه‌ی «فتح» به معنای برطرف کردن پیچیدگی است، خواه در ظاهر باشد مثل باز کردن قفل و خواه در باطن مثل خاتمه دادن به نزاع.<sup>(۱)</sup> کلمه‌ی «فتاح» یکی از اسمای حسنای خداوند است.<sup>(۲)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- اصرار انبیا بر هدایت مردم، از روی دلسوزی است نه به خاطر آن که جبران گناه مردم بر عهده‌ی انبیا باشد و یا بالعکس. «قل لا تسئلون عما اجرمنا»
- ۲- تواضع و ادب و سیله‌ی موفقیت است. (کار خود را «جرائم» و کار دیگران را «عمل» معرفی می‌کند). «اجرمنا - تعلمون»
- ۳- اگر ارشاد شما در دنیا مؤثّر واقع نشد، نگران نباشید زیرا در قیامت به حساب همه رسیدگی خواهد شد. «قل يجمع بيننا ربنا»
- ۴- روز قیامت، هم یوم الجمع است، (روز گردآمدن همه‌ی مردم) «يجمع بيننا» و هم یوم الفصل. (روز جدایی مجرمان از نیکان) «ثم يفتح»
- ۵- داوری در قیامت بر اساس حق است. «يفتح بيننا بالحق»
- ۶- توجّه به معاد، انسان را در موضع گیری‌ها و عملکردها حفظ می‌کند. «يفتح بيننا بالحق» (پرونده‌ی همه‌ی حیله‌ها و نفاق‌ها و زدویندها و پیچیدگی‌های سیاسی و اجتماعی و...، روزی باز می‌شود و مورد باز خواست قرار می‌گیرد).
- ۷- کسی جز خداوند، نه توان باز کردن پیچیدگی‌ها را دارد و نه از همه‌ی آنها آگاه

۱. تفسیر نمونه.

۲. تفسیر المیزان.

است. «هو الفتاح العليم»

## ﴿۲۷﴾ قُلْ أَرْوَنِي أَلِّذِينَ أَلْحَقْتُمْ بِهِ شُرَكَاءَ كَلَّا بَلْ هُوَ اللَّهُ أَلْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

بگو: کسانی را که به عنوان شریک به خداوند ملحق کرده اید به من نشان

دهید. هرگز چنین نیست، بلکه اوست خدای نفوذناپذیر حکیم.

### نکته‌ها:

■ در این آیه و آیات قبل، شیوه‌ی تدریجی و گام به گام و مدارا در گفتگو با مخالفان را بیان می‌کند، از جمله:

اولاً: در آیه ۲۴ دعوت به تفکر می‌کند. «چه کسی از آسمان و زمین به شما رزق می‌دهد؟»، «من يرزقكم من السموات والارض» پس فکر کنید.

ثانیاً: با انصاف برخورد کنیم و بگوییم: «یا ما یا شما یکی بر حق است»، «اتنا او ایاکم» در بحث، طرف خود را فوراً و با قاطعیت محکوم نکنیم.

ثالثاً: در آیه ۲۵ می‌فرماید: هر کس پاسخگوی فکر و عملکرد خویش است. اصرار ما باید از روی دلسوزی باشد.

رابعاً: در آیه ۲۶ می‌فرماید: در بحث‌ها، به قیاما اشاره کنیم که روز ظهور حق است. «یفتح بیننا بالحق...»

خامساً: در بحث و گفتگو، از طرف مقابل دلیل و سند بخواهیم. «به من نشان دهید بت‌هایی که به عنوان شریک او می‌دانید چه کرده‌اند». (همین آیه)

### پیام‌ها:

۱- سؤال همراه با توبیخ، وسیله‌ای است برای بیدار کردن و جدان‌های خفته. «قل اروني»

۲- هیچ یک از معبدوها (چه حضرت عیسی، چه فرشتگان، چه بت‌ها) خودشان

را شریک خدا نمی‌دانند؛ این شما هستید که آنها را به عنوان شریک به او ملحق می‌کنید. «الحقهم به شرکاء»<sup>۱</sup>

۳- عزّت و نفوذ ناپذیری خداوند، مانع از هر گونه الحاق معبدهای خیالی و ساختگی به اوست. «و هو العزيز الحكيم»

﴿۲۸﴾ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

و ما تو را به عنوان پیامبری مژده‌هند و بیم دهنده نفرستادیم جز برای همه‌ی مردم، ولی بیش‌تر مردم نمی‌دانند.

#### نکته‌ها:

▣ کلمه‌ی «كافهٔ» یا به معنای جمیع است، یعنی پیامبر اسلام ﷺ برای همه‌ی مردم پیامبر است، که این معنا با آیات و روایات دیگر نیز تأیید می‌شود و یا به معنای باز دارنده است، یعنی پیامبر، مردم را از کفر و شرک و گناه باز می‌دارد و حرف تا در کلمه «كافهٔ» برای تأکید باشد که از این دو معنا، اولی بهتر است.<sup>(۱)</sup>

#### پیام‌ها:

- ۱- رسالت پیامبر اسلام جهانی است. «ارسلناك... كافهٔ للناس»
- ۲- مهم‌ترین نقش انبیا در هدایت مردم، هشدار و بشارت است. «ما ارسلناك الا... بشيراً و نذيراً»

﴿۲۹﴾ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

و آنان (با تمسخر) می‌گویند: اگر راست می‌گویید، این وعده (قيامت) چه وقت خواهد بود؟

۱. تفسیر مجتمع البیان.

﴿۳۰﴾ قُلْ لَكُمْ مِّيقَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ

بگو: برای شماست و عدد روزی که نه (می‌توانید) ساعتی از آن تأخیر کنید  
و نه پیشی بگیرید.

### نکته‌ها:

■ در آیات متعدد می‌خوانیم: زمان قیامت را جز خداوند، احدی نمی‌داند و این از حکمت‌های الهی است تا انسان همیشه در حال آماده باش به سر برده، علاوه بر این، ندانستن جزئیات، مانع ایمان به کلیات نیست. مثلاً: شما از صدای زنگ خانه علم پیدا می‌کنید که شخصی پشت در است، گرچه جزئیات آن شخص را نمی‌دانید که زن است یا مرد، سن و سوداش چگونه است، ندانستن این خصوصیات ضرری به علم و ایمان شما که شخصی زنگ خانه را زد وارد نمی‌کند. آری، ما به قیامت علم داریم گرچه زمان آن را ندانیم.  
در آیه ۱۵ سوره‌ی طه می‌خوانیم: «إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيَاهُ» قیامت، قطعاً آمدنی است ولی من زمانش را بر شما مخفی کرده‌ام.

### پیام‌ها:

۱- لازم نیست پاسخ هر سؤالی را بدانیم. سؤال کردند که قیامت چه زمانی است؟

«مَنْهَا الْوَعْدُ» بگو: زمانش را نمی‌دانم. «میعاد یوم»

۲- قیامت روز مهمی است. (کلمه «یوم» همراه با تنوین، نشانه عظمت و بزرگی است.)

۳- زمان و قوع قیامت قابل تغییر نیست. «لَا تَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ»

﴿۳۱﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنَ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْءَانِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ  
وَلَوْ تَرَى إِذَا الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَى  
بَعْضٍ أَنْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ أَسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ أَسْتَكْبَرُوا لَوْلَا  
أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ

و کسانی که کافر شدند گفتند: ما نه به این قرآن و نه به آن (کتابی) که پیش از آن بوده است هرگز ایمان نخواهیم آورد. (و تعجب می‌کنی) اگر ببینی وقتی که ستمگران (مشرک) در پیشگاه پروردگارشان باز داشت شده‌اند در حالی که بعضی با بعض دیگر جدل و گفتگو می‌کنند (و گناه خود را به گردن یکدیگر می‌اندازند). کسانی که ضعیف نگاه داشته شده‌اند (زیر دستان) به مستکبران می‌گویند: اگر شما نبودید، حتماً ما مؤمن بودیم.

### پیام‌ها:

- ۱- کفار به خاطر لجاجت، حاضر به ایمان آوردن نیستند. «و قال الّذين كفروا لِن نُؤمِن»
- ۲- کفار در واقع هیچ یک از کتب آسمانی را قبول نداشتند. «لَن نُؤمِن بِهذا القرآن و لَا بِالّذِي بَيْن يَدِيهِ»
- ۳- ایمان به کتب آسمانی قبل از قرآن نیز مورد سفارش پیامبر اسلام بود و کفار این سفارش را نادیده می‌گرفتند. «و لَا بِالّذِي بَيْن يَدِيهِ»
- ۴- دادگاه قیامت بسیار سخت است. «و لَو تُرَى»
- ۵- مشرکان به خود ستم می‌کنند. «إذ الظالمون»
- ۶- سروکار مشرکان با خداد است. «موقوفون عند ربهم»
- ۷- ترسیم صحنه‌های سخت قیامت، بهترین وسیله‌ی تربیت است. «موقوفون عند ربهم»
- ۸- مستضعفانی که پیرو مستکبرانند نیز مورد مؤاخذه قرار خواهند گرفت. «يقول الّذين استضعفوا لِلّذين استكروا»
- ۹- صحنه‌ی قیامت، صحنه‌ی گفتگو و جدال است. «يقول الّذين...»
- ۱۰- در قیامت، مجرمان در پی توجیه گناه خود، به بزرگان خود می‌گویند: اگر شما نبودید ما این همه گناه نمی‌کردیم. «لولا انتم»
- ۱۱- در قیامت، ایمان عامل نجات است. «لَكُنا مُؤمِنِين»

﴿٣٢﴾ قَالَ الَّذِينَ أَسْتَكَبُرُوا لِلَّذِينَ أَسْتَضْعَفُوا أَنَّهُنْ صَدَنَاكُمْ عَنِ

أَلْهَدَى بَعْدٍ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ

(اما) کسانی که استکبار ورزیدند به مستضعفان گویند: آیا ما شما را از هدایتی که به سراغتان آمد باز داشتیم؟ بلکه شما خود گناهکار بودید.

### پیام‌ها:

۱- جامعه‌ی فاسد و افراد مستکبر، انسان را مجبور به انحراف نمی‌کند. «انهن صددناکم... بل کنتم مجرمین»

۲- در روز قیامت، مستکبران نیز می‌فهمند که راه انبیا حق بوده است. «صددنام عن الهدی»

۳- حق به همه می‌رسد و هر کس خود باید آن را بپذیرد. « جاءکم »

۴- در قیامت نمی‌توان گناه خود را به گردن دیگران انداخت. « بل کنتم مجرمین »

۵- بالاترین رسوایی آن است که مجرمان بزر به انسان‌های زیر دست لقب مجرم بدهند. « بل کنتم مجرمین »

﴿٣٣﴾ وَقَالَ الَّذِينَ أَسْتَضْعَفُوا لِلَّذِينَ أَسْتَكَبُرُوا بَلْ مَكْرُ الْيَلَ وَالنَّهَارِ

إِذْ تَأْمُرُونَا أَن نَكْفُرَ بِاللهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَنْدَادًا وَأَسْرُرُوا الْنَّذَامَةَ لَمَّا

رَأُوا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزِونَ

إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

و زیرستان به مستکبران گویند: بلکه (مایه‌ی گمراهی ما) نیرنگ شب و روز (شما بود)، آن گاه که ما را فرمان می‌دادید به خدا کفر ورزیم و برای او همتایانی قرار دهیم. و همین که عذاب را مشاهده کردند پیشیمانی خود را پنهان نمودند. و ما در گردن کسانی که کفر ورزیدند غل‌ها قرار دادیم، آیا جز آن چه عمل می‌کردند جزا داده می‌شوند؟

## نکته‌ها:

□ در این آیه می‌خوانیم که مجرمان ندامت خود را پنهان می‌کنند، در حالی که در آیات و روایات دیگر آمده که آنان ندامت خود را آشکار می‌کنند. این تفاوت به خاطر آن است که موافق قیامت متفاوت است.

□ گرچه به گفته راغب در مفردات خود، «اسرّوا النّدامة»، هم به معنای اظهار ندامت است و هم به معنای مخفی کردن ندامت، ولی با توجه به حدیثی که از امام صادق علیه السلام وارد شده، مراد همان مخفی کردن ندامت است. امام صادق علیه السلام در پاسخ این سؤال که نگاه داشتن ندامت در دل برای چیست؟ فرمود برای آنکه از سرزنش دیگران دور بمانند.<sup>(۱)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- مستکبران، تلاش شبانه روزی دارند. «بل مكر اليل و النهار»
- ۲- پیشوایان کفر، بر اساس مکر و تدبیر فرمان می‌دهند. «مكر اليل... اذ تأمروننا»
- ۳- انحراف فکری و فرهنگی جامعه، نتیجه‌ی کار مداوم دشمنان مستکبر است. «مكر اليل و النهار اذ تأمروننا»
- ۴- برخورد مستکبران با زیردستان خود، برخورد امر و نهی است، نه دعوت و ارشاد. «تأمروننا أذ نكفر»
- ۵- پشمیمانی در قیامت سودی ندارد. «اسروا النّدامة... جعلنا الا غلال»
- ۶- عذاب‌های الهی با عملکرد کفار متناسب است. «هل يجزون الا ما كانوا يعملون»

**﴿٣٤﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتَّرْفُوهَا إِنَّا بِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ كَافِرُونَ**

و ما در هیچ دیاری هشدار دهنده‌ای نفرستادیم مگر آن که افراد خوشگذر آنان گفتند: حتماً ما به آن چه بدان فرستاده شده‌اید کافریم.

﴿٣٥﴾ وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ

و گفتن: ما از جهت اموال و اولاد بیشتریم (و این نشانه لطف خداوند به ماست) و ما عذاب نمی‌شویم.

### پیام‌ها:

۱- مخالفت با پیامبر اسلام تازگی ندارد، با پیامبران دیگر نیز مخالفت می‌کردد.  
(خداوند پیامرش را دلداری می‌دهد). «وَ مَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ

﴿مَتَرْفُوهَا﴾

۲- مرفهان بی درد، در صف اول دشمنان انبیا بوده‌اند. «قَالَ مَتَرْفُوهَا»

۳- رفاه طلبی، انسان را بی تفاوت و سنگدل نموده و به استکبار می‌کشاند. «قَالَ  
﴿مَتَرْفُوهَا... كَافِرُونَ﴾

۴- مخالفت با پیامبران، مخالفت با پیام آنهاست، نه با شخص آنان. «عَمَّا أَرْسَلْتَ  
به كافرون﴾

۵- حرکت انبیا منافع سرمایه داران را به خطر می‌اندازد. «مَتَرْفُوهَا... كَافِرُونَ»

۶- کفار بی نیازی در دنیا را سبب بی نیازی در آخرت می‌پنداشتند. «أَكْثَرُ أَمْوَالًا... و  
ما نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ»

۷- سرمایه داران به مال و فرزند خود می‌نازنند. «نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَ أَوْلَادًا»

۸- ثروتمندان، خود را تافتھی جدا بافته می‌دانند. «ما نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ»

﴿٣٦﴾ قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ  
لَا يَعْلَمُونَ

بگو: همانا پروردگار من برای هر که بخواهد روزی را گشایش می‌دهد یا

تنگ می‌گرداند ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. (که این گشایش‌ها و تنگی‌ها

بیانگر میزان علاقه خداوند به آنان نیست).

## پیام‌ها:

- ۱- پیامبر باید عقائد انحرافی مردم را اصلاح کند تا گمان نکنند نعمت‌های خداوند همیشه نشانه مهر و لطف اوست. «قل انْ رَبِّ...»
- ۲- دادن و گرفتن نعمت، نشانه‌ی مهر یا قهر الهی نیست. (ممکن است از مؤمن بگیرد و به کافر بدهد). «انْ رَبِّ يَسِطِ الرِّزْقَ»
- ۳- دادن و گرفتن روزی، از شئون ربویت است. «انْ رَبِّ يَسِطِ»
- ۴- مردم عامل رزق را واسطه‌ها، تدبیرها و کار خود می‌دانند و از خداوند غافلند «وَ لَكُنَ الْأَكْثَرُ النَّاسُ لَا يَعْلَمُونَ»
- ۵- در جامعه‌ی دینی نگاه به اقتصاد نیز باید جنبه معنوی و الهی داشته باشد. «قَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا... قَلْ انْ رَبِّ يَسِطِ»

﴿۳۷﴾ وَمَا آمُوا لِكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقْرِبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الظِّلْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرْفَاتِ ءَامِنُونَ

و اموال و فرزندان‌تان آن گونه (فضیلتی) نیست که شما را به پیشگاه ما نزدیک گرداند، مگر کسانی که ایمان آورده و کار شایسته انجام داده‌اند. پس آنانند که برایشان دو برابر آن چه عمل کردند پاداش است و آنانند که در غرفه‌ها و طبقات (بهشتی) آسوده خاطرند.

## نکته‌ها:

- ◻ خداوند، ایمان و عمل صالح و انفاق و اخلاص را وسیله‌ی قرب به خود قرار داده است، ولی گروهی مال و فرزند و نزد را عامل قرب و سعادت می‌پندارند.
- ◻ در آیه ۱۵ سوره‌ی تغابن می‌خوانیم: «إِنَّا أَمْوَالَكُمْ وَ أَوْلَادَكُمْ فِتْنَةٌ وَ اللَّهُ عَنْهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» همانا اموال و فرزندان، وسیله‌ی آزمایش شما هستند و خداست که نزد او پاداش بزرگ است. البته ذکر مال و فرزند، از باب مثال است و گرنه جز ایمان و عمل صالح هر چه باشد.

وسیله‌ی قرب نخواهد بود.

▣ کسانی که به مال و فرزند زیاد افتخار می‌کنند بدانند که کثرت مال و فرزند همیشه نشانه‌ی گشایش رزق نیست، بلکه گاهی خداوند افرادی را با سرمایه عذاب می‌دهد. «فلا تعجبك اموالهم ولا اولادهم اُنما ي يريد الله ليعذّبهم بهما»<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- به تبلیغات و تفکرات غلط دشمنان پاسخ دهید. کفار (در آیه ۳۵) می‌گفتند: ما با داشتن اموال و فرزندان بیشتر، عذاب نمی‌شویم. «نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِعَذَابِهِنَّ»، این آیه پاسخ می‌دهد: که مال و فرزند سبب در امان ماندن از عذاب نیست. «وَمَا أَمْوَالًا وَلَا أَوْلَادًا...»
- ۲- قرب به خدا، همیشه برای انسان یک هدف بوده اماً‌گاهی انسان برای رسیدن به آن راه‌ها و وسائل نادرستی را انتخاب کرده است، نظیر بت پرستی. «مَا نَعْبُدُهُ إِلَّا لِيَقْرَبُونَا إِلَى اللَّهِ زَلْفِي»<sup>(۲)</sup>، «وَمَا أَمْوَالَكُمْ... عَنْدَنَا زَلْفِي»
- ۳- داشتن مال و فرزند و سایر امکانات، نشانه‌ی رشد و کمال نیست، بلکه بهره‌گیری صحیح از آنها کمال است. «وَمَا أَمْوَالَكُمْ... إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا» (آری، اگر مال و فرزند در راستای ایمان و عمل صالح باشد، وسیله‌ی قرب است). «وَمَا أَمْوَالَكُمْ... إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ»
- ۴- گرچه پاداش دو برابر داده می‌شود ولی باز هم در برابر عمل است. «جزاء الضعف بما عملوا»
- ۵- در انتخاب مسکن علاوه بر امنیت، ویژگی‌های دیگر را هم در نظر بگیرید: داشتن غرفه و طبقه‌ی بالا، چشم‌ انداز بهتر، نور بیش‌تر، هوای لطیف‌تر. «فِي الغرفات آمنون»
- ۶- در بهشت، هیچ گونه بیماری، ترس، اندوه و اضطرابی وجود ندارد. «آمنون»

﴿٣٨﴾ وَالَّذِينَ يَسْعَونَ فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ  
مُحْضَرُونَ

و کسانی که به قصد به ستوه آوردن (و محو و ابطال آیات) ما تلاش می‌کنند، اینان در عذاب (الله) احضار می‌شوند.

**پیام‌ها:**

۱- سرمایه دارانی که همواره ثروت خود را برای ساقط کردن و ناتوان جلوه دادن حق به کار می‌برند کیفر خواهند شد. (با توجه به آیه‌ی قبل و این آیه). «یسعون ف آیاتنا»

۲- دشمن برای از بین بردن حق، همواره تلاش می‌کند. «یسعون ف آیاتنا»

﴿٣٩﴾ قُلْ إِنَّ رَبِّيَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا  
أَنْفَقْتُم مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

بگو: بدون شک، پروردگارم برای هر کس از بندگانش که بخواهد روزی را گشایش می‌دهد، و یا برای او تنگ (و محدود) می‌گرداند و هر چه را (در راه او) انفاق کردید پس او (عوضش را) جایگزین می‌کند و او بهترین روزی دهنده‌گان است.

**نکته‌ها:**

▣ شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: اگر خداوند جای آنچه را انفاق شده پر می‌کند، پس چرا من هر چه انفاق می‌کنم جایگزینش نمی‌رسد؟! حضرت فرمود: اگر مال حلال باشد و برای مصرف حلال انفاق شود حتماً جبران می‌شود.<sup>(۱)</sup>

علاوه بر این ممکن است جبران آن در آخرت باشد یا از طریق دفع بلا یا رسیدن عوض آن

۱. تفسیر نور الثقلین و کافی، ج ۲، ص ۴۸۶.

به نسل بعدی در همین دنیا و یا از طریق غیر مال جبران شود.

- ▣ کلمه «قدر» هم به معنای اندازه‌گیری است و هم به معنای سختگیری.<sup>(۱)</sup> ولی در اینجا به قرینه کلمه «بیسط» به معنای سختگیری است.

- ▣ در آیه ۳۶ نیز مسأله‌ی گشایش و تنگی رزق مطرح شد لیکن مخاطب آن کفار و مخاطب این آیه مؤمنین هستند.

- ▣ تاجری که می‌بیند سرمایه‌اش در معرض تلف شدن است، حاضر است جنس خود را ارزان یا نسبیه بفروشد و اگر مشتری خوبی برایش پیدا شد و نفوخت، کم عقل است. عمر ما هم سرمایه‌ای است که در معرض تلف شدن است و خداوند آن را به بهای گران می‌خرد، معامله نکردن با خدا کم عقلی است.

- ▣ رسول خدا ﷺ فرمودند: هر شب منادی ندا می‌دهد: «هُب لِلْمَنْفَقِ خَلْفًا وَ هُب لِلْمَسْكِ تَلْفًا» (خدایا!) به انفاق کننده عوض و پاداش بده و ثروت خسیس و بخیل را تلف کن.<sup>(۲)</sup>

- ▣ خداوند بهترین رازق است. **﴿خَيْرُ الرّازِقِينَ﴾** چون:

الف: همه چیز به دست اوست و می‌تواند ببخشد.

ب: بخل ندارد.

ج: به همه می‌بخشد.

د: بخشش او، بی مثٰت و بی توقع است.

ه: دائمی است.

و: نیازها را می‌داند.

ز: چیزهایی می‌بخشد که دیگران توان بخشیدن آن را ندارند.

### پیام‌ها:

- ۱- تفاوت رزق بدست او و سبب تربیت و تکامل انسان است. (مقتضای ربویت خداوند قبض و بسط رزق‌ها است). **﴿رَبِّ يَبْسِطُ... وَ يَقْدِرُ﴾**

۱. مفردات راغب. ۲. تفسیر مجمع البیان.

- ۲- انفاق مهم است نه مقدار آن. «ما انفقتم من شیء»
- ۳- انفاق، تنها با مال نیست بلکه از هر نعمتی که خدا به انسان داده می‌توان انفاق کرد. «ما انفقتم من شیء»
- ۴- یقین به پرداخت عوض، عامل سخاوت است. «ما انفقتم... فهו يخلفه»
- ۵- یکی از دلایل اختلاف رزق، امتحان افراد است. «بیسط، يقدر، ما انفقتم»
- ۶- انفاق‌ها جبران می‌شود. «فهو يخلفه» و خداوند ضامن جبران است. «فهو يخلفه»
- ۷- انفاق‌ها به بهترین صورت جبران می‌شود. «خیر الرّازقين»

﴿۴۰﴾ وَيَوْمَ يَحْسِرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلائِكَةِ أَهَؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا

### يَعْبُدُونَ

و (به یاد آور) روزی که خداوند همه را محسور می‌کند، سپس به فرشتگان می‌گوید: آیا این‌ها شما را می‌پرستیدند؟

### پیام‌ها:

- ۱- روز قیامت، عابدها و معبدهای خیالی یکجا حاضر می‌شوند. «يَحْسِرُهُمْ جَمِيعًا»
- ۲- در دوره‌ای از تاریخ، فرشتگان مورد پرستش بودند و چه بسا برخی بت‌ها تمثال فرشتگان بودند. «لِلملائِكَةِ... إِيَّاكُمْ... يَعْبُدُونَ»
- ۳- خداوند در قیامت علاوه بر توبیخ مشرکان، از معبدهای می‌پرسد: آیا شما مردم را به شرک فرا خواندید؟ تا ثابت شود خود معبدهای نیز این کار را محکوم می‌کنند. «يَقُولُ لِلْمَلائِكَةِ أَهَؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ» چنانکه به عیسیٰ مطیع می‌فرماید: «إِنَّتْ قَلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأَمِّي الْهَمِينِ»<sup>(۱)</sup> آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را به عنوان خدا بگیرید؟

﴿٤١﴾ قَالُواْ سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيَّنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُواْ يَعْبُدُونَ الْجِنَّ  
أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُّؤْمِنُونَ

فرشتگان گویند: خدایا! تو منزّهی، تو سرپرست مایی، نه آنها، بلکه آنان  
جنّ را می‌پرستیدند، (و) بیشترشان به آنان ایمان داشتند.

#### نکته‌ها:

- برخی از مشرکان، فرشتگان را به امید دریافت خیرات می‌پرستیدند ولی اکثر آنان جنّ را به  
خاطر امان از شرور می‌پرستیدند.<sup>(۱)</sup>
- شاید مراد از جنّ در این آیه، شیطان باشد، یعنی آنها به جای پرسش فرشتگان، از شیطان  
پیروی می‌کردند.

#### پیام‌ها:

- ۱- ادب سخن گفتن با خداوند را از فرشتگان بیاموزیم. «سبحانک انت ولیّنا»
- ۲- تولی نسبت به خداوند و تبری از غیر خداوند در کنار یکدیگر است. «انت  
ولیّنا من دونهم»

﴿٤٢﴾ فَالْيَوْمَ لَا يَمِلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَّفْعًا وَلَا ضَرًا وَنَقُولُ لِلَّذِينَ  
ظَلَمُواْ ذُوقُواْ عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ

پس امروز برخی از شما برای یکدیگر مالک سود و زیانی نیست، و به کسانی که  
ستم کردند می‌گوییم: بچشید عذاب آتشی را که آن را دروغ می‌شمردید.

#### پیام‌ها:

- ۱- در قیامت، حکومت و مالکیت تنها مخصوص خداوند است. (هیچ یک از  
معبدوها - جنّ و فرشته و دیگران - هیچ قدرتی ندارند؛ نه معبد می‌تواند برای

۱. تفسیر المیزان.

عابد کاری کند و نه عابد برای معبد). «فالیوم لا یملک بعضکم لبعض»  
 ۲- به سراغ غیر خدا رفتن، ظلم به خویش است. «نقول للذین ظلموا»  
 ۳- آن چه قهر بزر خداوند را به دنبال دارد، تکذیب دائمی و مغرضانه است.  
 «کنم بہا تکذبون»

﴿۴۳﴾ وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ ءَايَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصْدِكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ إَبَآؤُكُمْ وَقَالُوا مَا هَذَا إِلَّا إِفْكٌ مُّفْتَرٌ وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَلْحَقُّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ

و هرگاه آیات روشن ما بر آنان خوانده شود گویند: جز این نیست که این مرد می خواهد شما را از آن چه پدرانتان می پرسیدند باز دارد. و گویند: این قرآن جز دروغی بافته شده نیست. و کسانی که کفر ورزیدند، همین که حق به سراغشان آمد، گفتند: این، جز یک جادو و سحر روشن چیز دیگری نیست.

### نکته‌ها:

■ کلمه «بیتات» جمع «بیتة» به دلیلی گفته می شود که حق بودن آن روشن است. و کلمه «افک» به چیزی گفته می شود که وارونه شده و از صورت اصلی خود برگشته است.

### پیام‌ها:

- ۱- آیات الهی، روشن است و انکار کفار به خاطر لجاجت آنهاست. «بیتات»
- ۲- شیوه‌ی انکار کفار عبارت است از:
  - الف: تحقیر رهبر. «ما هذا الا رجل»
  - ب: تهمت. «یرید ان یصدکم»
  - ج: تکیه بر روش پدران و پیشینیان خود. «یعبد آباؤکم»
- ۳- کفار، با طرح خط فکری و عملی نیاکان گمراه، دیگران را تحریک می کردند تا

در برابر انبیا بایستند. «یرید ان یصدکم عما کان یعبد آباؤکم»

۴- تقليد کورکورانه مانع پیشرفت انسان است. «یعبد آباؤکم»

۵- کفار، هم با پیام مخالفند و هم با پیام آور. «ما هذا الاّ رجل - ما هذا الاّ افک»

۶- کفار، برای موفقیت خود، از هر نوع تبلیغ و تأکید منفی استفاده می‌کنند. «ما هذا الاّ رجل - ما هذا الاّ افک - ان هذا الاّ سحر»

۷- یکی از موانع شناخت، کفر است. «قال الّذین کفروا للحق... ان هذا الاّ سحر»

﴿٤٤﴾ وَمَا أَتَيْنَاهُمْ مِنْ كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ

<sup>نذر</sup>  
نذیر

و ما به آنان (مشرکان عرب) کتاب‌های آسمانی نداده بودیم که آن را

بخوانند و بیاموزند و بیم دهنده‌ای به سوی آنان نفرستاده‌ایم.

#### نکته‌ها:

▣ مفهوم آیه این است که: ما قبل از تو کتاب و پیامبری به مشرکان مکه نداده‌ایم که آنان با استناد به آن، حق یا باطل بودن تو را تشخیص دهند. تکذیب آنان تنها بر اساس جهل و لجاجت و پیروی از هوس‌های خود و نیاکان خویش است.

#### پیام‌ها:

۱- اثبات یا نفی هر مطلبی باید مستند به علم و وحی باشد و موضع‌گیری بدون آن هوسری بیش نیست. «و ما آتیناهم...»

۲- کتب آسمانی برای تدریس و آموزش است. «كتب يدرسونها»

﴿٤٥﴾ وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَغُوا مِعْشَارًا مَا أَتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا

### رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرٌ

و کسانی که پیش از آنان بودند، (پیامبران را) تکذیب کردند، در حالی که (کافران قوم تو) به یک دهم آن چه (از قدرت و امکانات) به گذشتگان داده بودیم نرسیده‌اند، پس آنان پیامبران مرا تکذیب کردند، پس (ببین) چگونه بود کیفر و عقوبت من (نسبت به آنان).

#### نکته‌ها:

▣ نظیر این آیه را در آیه ۲۱ سوره‌ی غافر می‌خوانیم که می‌فرماید: «أولم يسيرا في الأرض فينظروا كيف كان عاقبة الّذين كانوا من قبلهم كانوا هم أشدّ منهم قوة و اثارةً» آیا در زمین نگشتند و سیر نکردند تا ببینند عاقبت پیشینیانی که قدرت و آثارشان بیشتر بود چه شد؟ در آیه ۹ سوره‌ی روم نیز می‌خوانیم: «... كانوا أشدّ منهم قوّة و اثاروا ألارض و عمروها اكثراً عمروها» قدرت آباد کردن پیشینیان بیشتر بود، ولی به خاطر تکذیب پیامبران الهی نابود شدند.

آری، تمدن و قدرت‌ها و ثروت‌ها و تحولات همیشه در حال پیشرفت نیست بلکه گاهی امکانات و قدرت گذشتگان بیشتر بوده است.

#### پیام‌ها:

- ۱- آگاهی از تاریخ، مشکلات بزر را کوچک جلوه می‌دهد و تحمل آنها را آسان می‌کند. **﴿كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ... كَذَّبُوا رَسُلِي﴾**
- ۲- گاهی باید دشمن را تحقیر کرد. **﴿وَ مَا بَلَغُوا مِعْشَارًا...﴾**
- ۳- کفار با تکیه به قدرت و ثروت خود، حق را انکار می‌کردند و خداوند فرمود: ثروت شما نسبت به دیگران یک دهم است. **﴿وَ مَا بَلَغُوا مِعْشَارًا...﴾**
- ۴- جمعیّت‌ها و تمدن‌های بزر، به خاطر تکذیب انبیا نابود شدند. (مشرکان مکّه چیزی نیستند نگران نباش). **﴿كَذَّبُوا رَسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرٌ﴾**

- ۵- سنت الهی درباره همه اقوام یکسان است. «فکیف کان نکیر»  
 ۶- در تربیت و ارشاد، گاهی باید از اهرم تهدید (آن هم تهدید مبهم) استفاده کرد.  
 «فکیف کان نکیر»

**﴿٤٦﴾ قُلْ إِنَّمَا أَعِظُّكُم بِوَاحِدَةٍ أَن تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفَرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا**

**مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدِيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ**

بگو: من شما را به یک سخن پند می دهم؛ برای خدا قیام کنید، دو نفر دو نفر

و یک نفر یک نفر، پس بیاندیشید (تا ببیند) که هیچ گونه جنونی در هم

سخن شما (پیامبر) نیست، او برای شما از عذاب سختی که در پیش است

جز هشدار دهنده ای نیست.

### پیام‌ها:

- ۱- یکی از وظایف انبیا، موقعه مردم است. «اعظمکم»
- ۲- تنها به حرف اکتفا نکنید، باید به پا خواست. «تقوموا»
- ۳- آن چه مهم است قیام خالصانه برای خدا است، تعداد و نفرات نقش اصلی را ندارد. «تقوموا لله مثنی و فرادی»
- ۴- قیام سه عنصر لازم دارد:

خلوص، «الله» رهبر، «صاحبکم» فکر و برنامه. «تفکروا»

حرکت‌ها و انقلاب‌هایی که برای خدا نباشد و برخاسته از عقده‌ها و هوس‌ها و برای کسب ثروت باشد به جایی نمی‌رسد. اگر انقلاب همراه با فکر و برنامه جامع نباشد و یا رهبر الهی همراه و مصاحب با انقلابیون نباشد به نتیجه‌ای نمی‌رسد و بقا و برکاتی نخواهد داشت.

- ۵- پیامبر، کوچک‌ترین نقطه ضعف روحی ندارد. او سال‌ها در میان شما زندگی کرده و همه او را به عقل و درایت می‌شناسید و نسبت جنون به او ناشی از بی‌فکری است. «تفکروا ما بصاحبکم من جنّه»

- ۶- رهبر الهی، هم نشین و هم سخن با مردم است. «صاحبکم»  
 ۷- خداوند حامی پیامبران است و تهمت‌ها را از آنان دفع می‌کند. «ما بصاحبکم من جنة»

- ۸- با این که کار پیامبران بشارت و هشدار است، اما هشدار بیشتر مورد توجه قرآن است، زیرا افراد غافل به هشدار نیاز بیشتری دارند. «ان هو الا نذير»  
 ۹- هشدار انبیا به سود مردم است. «نذیر لكم»  
 ۱۰- عذاب، پیش روی شماست، اگر در راه خدا قیام نکنید، هم در دنیا گرفتار می‌شوبد و هم قیامت دور نیست. «بین يدی عذاب»

﴿۴۷﴾ قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِّنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيٌ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

بگو: هر مزدی که از شما خواستم پس آن به نفع شماست، مزد من جز بر خدا نیست و او بر هر چیزی گواه است.

#### نکته‌ها:

■ بارها در قرآن این سخن به میان آمده که انبیا از مردم مزد و پاداشی نمی‌خواستند، در سوره‌ی شعرا از آیه ۱۰۰ تا ۱۸۰ این مطلب از قول پیامبران مختلف تکرار شده است، اما پیامبر اسلام در دو مورد تقاضای اجر و مزد کرده است: یک بار فرمود: «قل لا اسئلکم عليه اجرًا إلّا المودّة في القربى»<sup>(۱)</sup> من مزدی جز مودت اهل بیتم از شما نمی‌خواهم. و بار دیگر در آیه ۵۷ سوره‌ی فرقان فرمود: «قل لا اسالکم عليه من اجر الا مَن شاء أَن يَتَّخِذَ إِلَى رَبِّهِ سبيلا» من برای رسالتم از شما مزدی نمی‌خواهم، جز آن که می‌خواهد راهی به سوی خدا انتخاب کند.

آیه مورد بحث، جمع بین آیات فوق است که پیامبر اکرم ﷺ می‌خواهد اعلام کند: اگر من از

شما مزدی درخواست می‌کنم و می‌گوییم اهل بیتم را دوست بدارید، به خاطر آن است که فایده‌ی این مزد به خود شما بر می‌گردد. «فهو لکم» زیرا کسی که به اهل بیت معصوم پیامبر اکرم ﷺ علاقمند باشد از آنان پیروی می‌کند و هر کس از رهبران معصوم پیروی کند از راه خدا پیروی کرده است. «الا من شاء أن يَتَّخِذُ إِلَيْهِ سَبِيلًا»، پس فایده‌ی این مزد به خود ما بر می‌گردد مثل معلمی که به شاگردش بگوید من مزدی از شما نمی‌خواهم جز آنکه درس مرا خوب بخوانید که فایده‌ی این امر به خود شاگرد بر می‌گردد.

### پیام‌ها:

- ۱- مبلغان الهی، باید بی‌توقعی خود را به مردم اعلام نمایند. (در سه آیه‌ای که مربوط به مزد رسالت است، با کلمه‌ی «قل» پیامبر مأمور به اظهار آن می‌شود.  
﴿قُلْ... إِنَّ أَجْرَى الْأَنْعَامِ عَلَى اللَّهِ﴾)
- ۲- آن چه زشت است سؤال و در خواست مزد است، ولی اگر خود مردم با عشق و بدون اکراه هدیه‌ای به مبلغ دین دادند حساب دیگری دارد. می‌فرماید: «ما سالتکم» و نمی‌فرماید: نمی‌گیرم.
- ۳- شرط تأثیر سخن آن است که مردم، رهبر را دلسوز و مخلص بدانند. «إِنَّ أَجْرَى الْأَنْعَامِ عَلَى اللَّهِ» (اگر رهبر از مردم توقع مادی داشته باشد، جامعه او را تحمل نمی‌کند: «إِنَّمَا تَسْتَهِنُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مُغْرِمِ مُتَّقِلِّونَ»<sup>(۱)</sup> آیا از مردم مزدی طلب می‌کنی که پرداخت آن بر آنان سنگین است؟)
- ۴- انتخاب راه خدا و موذت اهل بیت ﷺ که مزد رسالت است، در حقیقت به نفع خود مردم است نه پیامبر اکرم. «فهو لکم»
- ۵- کسی که خدا را ناظر و شاهد اعمال خود بداند به غیر او امیدی ندارد. «إِنَّ أَجْرَى الْأَنْعَامِ عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»
- ۶- برای برطرف شدن سوء ظن‌ها، خدا را برصاد خود گواه بگیریم. «إِنَّ أَجْرَى

الا علی الله و هو علی كل شیء شهید

### ﴿٤٨﴾ قُلْ إِنَّ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَامُ الْغُيُوبِ

بگو: همانا پروردگارم که به نهان‌ها بسیار آگاه است حق را (بر دل‌ها) می‌افکند.

پیام‌ها:

۱- تحقق حق و نابودی باطل، از شئون ربوبیت خداست. «ان ربی یقذف بالحق»

۲- حق باید بر باطل هجوم برد و آن را نابود کند. («یقذف» به معنای پرتاب و تهاجم است).

۳- پیروزی حق بر باطل از سنت‌های الهی است. «ان ربی یقذف بالحق»

۴- احقاق حق و ابطال باطل به اطلاعات وسیعی نیاز دارد. «علام الغیوب»

### ﴿٤٩﴾ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِيُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ

بگو: حق آمد و باطل (کاری از آن ساخته نیست) نمی‌تواند آغازگر چیزی

باشد و نه تجدید کننده آن).

### ﴿٥٠﴾ قُلْ إِنْ ضَلَّتْ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَى نَفْسِي وَإِنْ أَهْتَدَيْتُ فَبِمَا يُوَحِّي

إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ

بگو: اگر من گمراه شده باشم به زیان خود گمراه شده‌ام، و اگر هدایت یافته

باشم پس به (برکت) چیزی است که پروردگارم به من وحی می‌کند، همانا

اوست شنوای نزدیک.

نکته‌ها:

▣ ابن مسعود که یکی از اصحاب پیامبر اکرم ﷺ است می‌گوید: در مکه ۳۶۰ بت بود که

پیامبر اکرم ﷺ در روز فتح مکه یکی را پس از دیگری به زمین می‌انداخت و این آیه‌ی

شريفه را می خواند: «قل جاء الحق...»<sup>(۱)</sup>

▣ سوال: با آمدن قرآن و پیامبر حق، چرا باز هم باطل پا بر جاست؟

پاسخ: حاکمیت منطقی و علمی، غیر از حاکمیت عملی و اجرایی است، آن چه مربوط به خداست، فرستادن حق است و آن چه مربوط به ماست عمل و اجرای حق است که چنین نکردیم. آری، سلامتی بیمار، به نسخه‌ی صحیح و مصرف دارو وابسته است که یکی وظیفه‌ی پژشك است و دیگری وظیفه‌ی بیمار.

#### پیام‌ها:

۱- حق بر باطل پیروز است. « جاء الحق و ما يبديء الباطل و ما يعید»

۲- قرآن از غیب و آینده خبر می‌دهد. « و ما يبديء الباطل و ما يعید»

۳- بدون وحی الهی، حتی پیامبر نیز در معرض انحراف است. « ان ضلللت فاما اضل على نفسي و ان اهتديت فهـما يوحـي»

۴- خطرات و آثار شوم انحراف، به خود انسان باز می‌گردد. « اضل على نفسي»

۵- خداوند، هم وحی می‌فرستد و هم بر ابلاغ آن نظارت دارد. « فـهـما يوحـي الـى رـبـي انه سـمـيع قـرـيب»

**﴿٥١﴾ وَلَوْ تَرَى إِذْ فَزَعُوا فَلَا فَوْتَ وَأَخْذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ**

و اگر ببینی وقتی که کافران (از عذاب سخت) فزع کنند و راه گریزی در کار نیست، و از مکانی نزدیک دستگیر شوند (تعجب خواهی کرد).

**﴿٥٢﴾ وَقَالُوا أَمَّا بِهِ وَأَنَّ لَهُمُ الْتَّنَاؤشُ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ**

(و در آن حال) گویند: به او ایمان آوردیم و کجا این دست‌یابی به ایمان از راه دور (که توان بر انجام عمل صالحی ندارند) به سودشان خواهد بود.

۱. تفسیر مجتمع البیان.

## نکته‌ها:

- ❑ در این آیات تا آخر سوره، سیمایی از وضع دلخراش جان دادن مشرکان ترسیم شده است.
- ❑ کلمه‌ی «تناوش» از «نوش» به معنای گرفتن چیزی به آسانی است.
- ❑ در تفاسیر شیعه و سنتی روایاتی آمده است که رسول اکرم ﷺ این آیات را به خروج سفیانی به هنگام قیام حضرت مهدی ؑ تفسیر کرده‌اند که خداوند از نزدیک‌ترین مکان، آنان را نابود می‌کند.
- ❑ مراد از «مکان قریب» دنیا و «مکان بعید» آخرت است.

## پیام‌ها:

- ۱- جزع و فزع و استمداد مشرکان، مشکلی از آنان حل نمی‌کند. «فزعوا فلا فوت» مشرکان پناهگاهی ندارند.
- ۲- هر کافری در لحظه‌ی احساس خطر ایمان می‌آورد ولی چه سود. (ایمان انتخابی ارزش دارد نه اضطراری). «اخذوا من مکان قریب - قالوا آمنا»
- ۳- مر هر جا که آمد فوراً انسان را می‌گیرد. «مکان قریب»
- ۴- عقوبت مشرکان از همین دنیا آغاز می‌شود. «مکان قریب»
- ۵- برگشت به دنیا و جبران گذشته‌ها راهی دور و ناممکن است. «مکان بعید»

**﴿۵۳﴾ وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ وَيَقْذِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ**

در حالی که پیش از این به آن کفر ورزیدند و از دور دست‌ها تیر در تاریکی می‌انداختند. (و به پیامبر اسلام تهمت‌ها می‌زدند).

**﴿۵۴﴾ وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلٍ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍ مُّرِيبٍ**

(سرانجام) میان آنان و آن چه می‌خواستند جدایی افتاد، همان گونه که از دیر باز با امثال ایشان چنین شد، زیرا آنان در شک و تردید سختی بودند.

**پیام‌ها:**

- ۱- کسانی که دیروز به پیامبر و قرآن تهمت می‌زدند، امروز که در تنگنا قرار گرفته‌اند ایمان می‌آورند ولی چه سود؟ «و قد كفروا - و يقذفون»
- ۲- کفار از پیامبر و قرآن، شناخت روشی نداشتند؛ تهمت‌های آنان مانند تیر انداختن در تاریکی و پرتاب از راه دور بود. «يقذفون بالغیب من مكان بعيد»

**«و الحمدُ لِلّهِ ربِّ العالمين»**